

متن کامل کتاب مرد روزگاران نوشته ی علی مدرس به صورت الکترونیکی در آمده است تا قابل دسترس برای همگان باشد. فرم الکترونیکی کتاب اندکی خلاصه، ویراستاری و به روز شده است. تمامی حقوق چاپ و نشر این کتاب متعلق به نشر هزاران می باشد. در صورت استفاده از کتاب به عنوان منبع ذکر نام ناشر الزامی است. لطفاً از الگوی زیر استفاده کنید:

علی مدرس، مرد روزگاران: مدرس شهید نابغه ی ملی ایران، تهران: نشر هزاران، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

مرد روزگاران: مدرس شهید نابغه ی ملی ایران

علی مدرس

مجلس پنجم و مدرس

صفحات ۱۳۷ تا ۱۴۹ کتاب مرد روزگاران، تاریخ ویراستاری ۱۶ فروردین ۱۳۹۴

دوره ی پنجم مجلس شورای ملی روز ۲۲ بهمن ۱۳۰۲ با نطق محمد حسن میرزا ولیعهد و به ریاست موقتی مؤتمن الملک رسماً افتتاح شد. سپس، طبق روال، یک هفته تعطیل و مجدداً گشایش یافت. سردار سپه عجله داشت که هر چه زودتر اعتبارنامه ی اکثریت را به تصویب برساند تا بتواند در زمان موعود کار جمهوری را آغاز کند. از طرف دیگر، مدرس و نمایندگان طرفدار او که از دلیل واقعی و طرح نقشه ی جمهوری اجباری کاملاً آگاهی داشتند تلاش کردند که نگذارند اعتبارنامه ی نمایندگانی که توسط رضاخان انتخاب شده بودند تصویب شود. مدرس از جلسه ی سوم مجلس، مخالفت خود را اظهار داشت.

جلسه ی سوم، ۲۳ حوت ۱۳۰۲، به ریاست مؤتمن الملک تشکیل شد و اعتبارنامه ی نبیل السلطنه، مدیر روزنامه ی میهن، و دولت آبادی مطرح گشت و با مخالفت شدید مدرس روبرو شد.

جلسه ی چهارم، ۲۵ حوت ۱۳۰۲، به ریاست مؤتمن الملک تشکیل شد:

-رییس (مؤتمن الملک): وکالت آقای معتمد السلطنه مطرح است. آقای مدرس در جلسه ی قبل مخالفت کردند. اگر بیاناتی دارید بفرمایید. -مدرس: ... مجلس از اول باید معرفی خود را بکند. و عقیده من این است که این انتخابات از روی فشار بوده، چه نسبت به معتمد السلطنه و چه نسبت به سایر آقایان که از روی فشار شده و از روی اختیار نشده است.

-شیخ العراقین زاده: مدارکشان چیست؟

-مدرس: و انتخاباتی که از روی فشار شده، آن شخص که روی این کرسی می نشیند، غصب است. اما مدرک! هر کس شبهه ای دارد، تشریف ببرد به شعبه و این دوسیه ها را ببیند.

-همهمه بین نمایندگان

-صدای زنگ رییس مجلس

-تدین: خلاف است. کذب است.

-مدرس: کار به خارج هم ندارم. دوسیه ها را ببینید. مثلاً در دوسیه آقای نوری زاده می گوید حکومت به من گفته است من باید اجازه از رییس تیپ شمال بگیرم. این انتخابات، انتخابات ملی نیست. یا مثلاً قمشه ما، سی نفر را تبعید کردند، کسی به دادشان نرسید. این انتخابات انتخابات ملی نیست. این عقیده من است.

-همهمه بین نمایندگان

-مدرس: من عقیده خود را باید احضار کنم. اگر آقایان قبول ندارند، رأی ندهند. نزاع نیست و اظهار عقیده است. و مجلس باید عقیده اش نسبت به تمام مطالب، چه انتخابات و چه غیر انتخابات آزاد باشد. آقای معتمد السلطنه در دوره سابق، از بختشان است همیشه، حسب الفرموده آقای رییس الوزراء باید انتخاب شوند. در دوره ی سابق هم همین طور شد. و بنده به ایشان رأی ندادم. این دفعه هم این طور شده.

-تدین: این طور نیست. مدرک می خواهد.

-مدرس: من اظهار عقیده ام را می کنم. شما هم رأی بدهید. من معرفی می کنم، شما هم رأی بدهید. بنده عقیده ام را اظهار می کنم، ولو مخالفت با تمام روی زمین باشد.

-همه بین نمایندگان
-صدای زنگ رییس مجلس
-از طرف بعضی از نمایندگان: دلیل لازم است.
-مدرس: دلیلش واضح و روشن است. بروید دوسیه را ببینید. ... شما هم اگر عقیده دارید، رأی بدهید. من عقیده ام این است که این انتخابات از روی فشار شده و به غیر از اراده ملت شده، باطل است.

بعد از مدرس، تدین مطلب مفصلی مبنی بر موافقت با اعتبارنامه و مخالفت با عقیده مدرس بیان نمودند.

مؤتمن الملک- آقای سید یعقوب هم مخالفند.
سید یعقوب- بنده موافقم با آقای تدین.
مدرس- بنده توضیحی دارم.
مؤتمن الملک- بفرمایید.
مدرس- توضیح بنده این است که فرمودند فرق گذاردم. حتی نسبت به نزدیکترین اشخاص به خودم هم، فرق نگذاشتم. هر کس را بنده بفهمم که یک دست محلی یا غیر محلی در انتخابش بوده و به قوا انتخاب شده است، رأی ندادم و نخواهم داد. حتی اگر اقرب اشخاص در دوستی با خودم باشد. مسئله دوستی دخیل به سیاست ندارد.
مؤتمن الملک- پس رأی می گیریم به نمایندگی آقای معتمد السلطنه.
مدرس- بنده پیشنهاد دارم.
مؤتمن الملک- تقاضای رأی مخفی شده قرائت می شود.

ما امضا کنندگان ذیل تقاضا می کنیم نسبت به اعتبار نامه آقای معتمد السلطنه رأی مخفی گرفته شود.
مدرس، اسمعیل الحسینی العراقی، مصطفی البهبهانی الموسوی، قوام الدوله، سید حسن زعیم، هاشم آشتیانی، محیی الدین موسوی، ضیاء الملک، شیخ محمد علی، علی شکوه، نظام یدالله، ناصر الاسلام، عبدالله یاسایی، ملا فرج الله، فاطمی، احمد الموسوی بهبهانی، غلامحسین میرزا، عبدالوهاب میرزا، آقا خان.

عده ای از افراد فوق امضایشان را پس گرفتند و عده دیگری نظیر حابری زاده نیز تقاضای رأی مخفی کردند و پس از گفتگو های بسیار، اعتبار نامه معتمد السلطنه از دستور خارج و به جلسه ی بعدی موکول شد.

مؤتمن الملک-... راجع به اصفهان و آقای دولت آبادی، گویا آقای مدرس مخالف بودند.
مدرس- عرایض بنده بر حسب کلی آن بود. که عرض کردم. دیگر برای هر کدام از این اعتبارنامه ها عرض بخصوصی ندارم.
مؤتمن الملک- رأی می گیریم به نمایندگی آقای حاج میرزا یحیی دولت آبادی از اصفهان. آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.
اغلب نمایندگان قیام کردند.

مؤتمن الملک- اینجا تقاضای رأی منفی شده است.

ما امضا کنندگان ذیل تقاضا داریم که نسبت به اعتبار نامه آقای نوری زاده رأی مخفی با مهره گرفته شود.
مدرس، اسمعیل الحسینی العراقی، مصطفی البهبهانی الموسوی، قوام الدوله، احتشام الحکما، سید حسن زعیم، هاشم آشتیانی، ضیاء الملک، محیی الدین موسوی، شیخ محمد علی، علی رضا الحسین، یدالله، علی شکوه نظام، شهاب الدین، عبدالوهاب میرزا، ناصر الاسلام گیلانی، عبدالله یاسایی، میرزا آقا خان.

مؤتمن الملک- رأی گرفته می شود به وکالت آقای نوری زاده. آقایانی که تصویب می کنند مهره سفید، والا مهره سیاه خواهند داد.

اخذ آرا به عمل آمد و نتیجه حاصل شد.

مؤتمن الملک- عده حضار را هیأت ریسه به اختلاف تشخیص داده اند. بعضی از هشتاد و هشت نفر، و بعضی ها هشتاد و هفت نفر، در هر صورت چون مهره های سیاه پنجاه و هفت عدد و اکثریت است، وکالت ایشان رد شد. راجع به وکالت آقای بنان السلطنه سه نفر از آقایان، نظم الملک و شیخ العراقرین زاده و داور تقاضا کرده اند از دستور امروز خارج شود.
-صحیح است.

بعد از صحبت تعداد دیگری از نمایندگان رییس مجلس جلسه را ختم کردند.

صفحه ی ۱۴۰، برخورد مدرس و تدین در جلسه ی پنجم مجلس

مدرس بدون هیچ ترس و واژه ای با هر اعتبارنامه ای که مطرح می شد و صاحب آن طبق دستور و دخالت نظامیان انتخاب شده بود شدیداً مخالفت می کرد. تدین و طرفداران او نیز متقابلاً با اعتبارنامه ی افرادی چون آشتیانی و سایر مخالفان خود مخالفت می کردند. هدف اصلی مدرس طولانی کردن آن دوره ی مجلس و کم کردن تعداد افرادی که با رای مردم به مجلس راه نیافته بودند بود، و در واقع مخالفت های تدین نیز به طولانی شدن مجلس کمک می کرد. ولی خود وی، متوجه هدف اصلی مدرس نشده بود. در اینجا قسمت هایی از صورت جلسه ۲۷ اسفند ۱۳۰۲، جلسه ی پنجم، ذکر می شود. جلسه ساعت ۱۰ صبح به ریاست مؤتمن الملک تشکیل گردید:

مؤتمن الملک- نسبت به آقای بنان السلطنه جمعی از نمایندگان تقاضا کردند که از دستور امروز خارج شود. مخالفی ندارد؟ یکی از نمایندگان- خیر.

مؤتمن الملک- نمایندگی آقای آشتیانی مطرح است. مخالف گویا آقای تدین بوده اند. تدین- بنده تقاضا می کنم که اگر راپورت دیگری هست و آقایان موافق باشند مطرح شود. مؤتمن الملک- اگر مخالفت دارید بفرمایید.

تدین- طرز انتخابات تهران جریانش تصور می کنم بر احدی پوشیده و مخفی نباشد. و شکایاتی که در آن تاریخ از طرف عده ی زیادی اظهار می شد و در جراید آن تاریخ مطرح بود که نمرات جراید الان در دست است و متجاوز از سیصد چهارصد نمره روزنامه ی مختلف الان موجود است که در تمام آنها شکایات راجع به سوء جریان انتخابات تهران عنوان شده است. ولی برای اینکه حتی الامکان مایل نیستم که یک مذاکره ای در مجلس بکنم، مگر در موقع ضرورت، عجلتاً در شرح دادن ترتیب و جریان انتخابات تهران و توابع و اتفاقاتی که افتاده است خودداری می کنم. و این را هم اینجا عرض می کنم که سوء جریان انتخابات تهران شامل تمام دوازده نفر نمایندگان تهران نیست. اشخاصی منتخب هستند که دارای یک وجهه ی عمومی و یک آراء طبیعی هستند. البته غرض اینها نیستند و آن آقایان را محتاج هم نمی دانم اسم ببرم. و البته همه ی آقایان خوب می شناسند. ولی برای اینکه باز سوء تفاهمی تولید نشود عرض می کنم از قبیل آقای مشیرالدوله، آقای رئیس محترم مجلس و آقای مصدق السلطنه و آقای مستوفی الممالک. و بالاخره بنده مخالفم با چهار نفر از نمایندگان تهران که مشترکند، در یک موضوع خواهد بود و مربوط به این آقایانی که آراء طبیعی داشته اند نخواهد بود. بنابراین نمی خواهم بطور مفصل وارد بیان در سوء جریان انتخاب تهران شوم و اگر مقتضی شد البته عرض خواهم کرد. بدین جهت عرض می کنم که این راپورت نمایندگی آقای آشتیانی از آن شعبه که صادر شد، تمام دوسیه های متعلق به امر انتخابات در آن شعبه نبوده. یکی از آن دوسیه هایی که خیلی مهم و طرف گفتگوست، دوسیه ی لواسانات است و کن و سولقان هم در درجه ی دوم و حتی به قدری دوسیه ی لواسانات و کن و سولقان طرف اهمیت بوده است که ارجاع به عدلیه و جلب اشخاص و دوسیه های استثنای در عدلیه شده است. بنابراین، یک نفر عضو هستم در این جا و حق دارم که ببینم دوسیه ی لواسانات وضعیت چیست و همچنین سایر دوسیه هایی که مرتبط به این امر است و آنچه که بنده اطلاع دارم دوسیه ی لواسان فعلاً در مجلس نیست. بنابراین بنده به همین قدر اکتفا می کنم و نمی خواهم وارد شوم در بیان یک مطالبی و پیشنهاد می کنم که این راپورت برگردد یا به همان شعبه یا به یک کمیسیون و دوسیه کن و سولقان و سایر دوسیه های مرتبط به این قضیه خواسته شود، به مجلس و حقیقتاً رسیدگی شود و اگر چنانچه قضیه مخدوش بود که به عقیده ی آقای مدرس که دیروز اظهار کردند البته خود ایشان و سایرین هم موافقت که به دوسیه ی مخدوش نمی شود رای داد و اگر نبود چه بهتر از این تا رفع شبهه از عموم بشود و با یک نزاکت و ابرومندی ماها همه مان رای بدهیم به اعتبارنامه. آقای آشتیانی اگر این تقاضای بنده را قبول می کنند بنده اکتفا می کنم و اگر قبول نمی کنند بنده حاضرم عرایض خودم را به طور مفصل عرض کنم.

مؤتمن الملک- آقای دست غیب، اجازه!

دست غیب- موافقم.

مؤتمن الملک- پیشنهاد شده است که از دستور امروز خارج شود بر مذاکرات حق تقدم دارد.

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد می کنم که راپورت راجع به نمایندگی آقای میرزا هاشم به کمیسیون تحقیق ارجاع شود تا پس از رسیدگی. ثانیاً راپورت نمایندگی ایشان به مجلس تقدیم گردد. تدین.

مؤتمن الملک- مذاکره ای که می شود در باب پیشنهاد باید بشود. آقای دست غیب، اجازه!

مؤتمن الملک- [خطاب به مدرس] نسبت به این پیشنهاد توضیحی دارید؟

مدرس- بلی.

مؤتمن الملک- بفرمایید!

صفحه ی ۱۴۳- نطق مدرس

مدرس- عرض می شود چون خود یکی از نمایندگان تهران هستم، به این جهت مناسب نبود که بنده صحبت بدارم. لیکن دیگر ضرورات تبیح المحظورات. یک وقت مسئله اشکال تراشی است، بسیار خوب، فرمودند که در روزنامه ها خیلی اشکالات و شبهات و اینها هست. البته می دانید که انتخابات همه جا اطراف دارد، طرف دارد، دوست دارد، مغرض دارد، همه جور هست و قطعاً خیلی کم اتفاق می افتد که در باب انتخابات یک جا اشکالات و شبهات حق یا غیر حق در روزنامه ها و غیر روزنامه ها نشود. این مسئله را بنده انکار ندارم. لیکن بنده عرض می کنم که در آن وقت خیلی از آقایان مستحضرند که دولت وقت با ما نبود. من نمی گویم که بر ضد ما بودند. لیکن دولت وقت با ما نبود که بفرمایند به واسطه ی اینکه دولت با ما بوده است بعضی عملیات شده باشد. که از طریق جریان قانونی یک قدری خارج شده باشد. باز ربطی به من و آقای آشتیانی و امثال اینها ندارد. و رای هم در لواسانات نداریم. یک رای بنده دارم و آقا هم یک جزئی، که اگر این ها را را لغا بکنید، باز هم اکثریت شش و هفت را دارند. و اینکه فرمودند به کمیسیون تحقیق رجوع شود، اگر بنا شود انتخابات تهران به کمیسیون تحقیق رجوع شود، لهذا بیاناتی که فرمودند، بنده این بیانات را هیچ دلیلی برایش ندیدم. و تقاضایم این است که رای گرفته شود و هیچ هم از دستور خارج نشود و دیگر رای با مجلس است.

مؤتمن الملک- آقای سید یعقوب هم با پیشنهاد مخالفند؟
سید یعقوب- بنده موافقم. اجازه می فرمایید توضیحات خود را بدهم؟
مؤتمن الملک- راپورت یا پیشنهاد؟
سید یعقوب- پیشنهاد.

....

مؤتمن الملک- حاج میرزا عبدالوهاب مخالفید؟
حاج میرزا عبدالوهاب- بلی.
مؤتمن الملک- آقای تدین، موافقید؟
تدین- بنده پیشنهاد داده ام.
مؤتمن الملک- آقای حاج میرزا عبدالوهاب
حاج میرزا عبدالوهاب- آقای تدین فرمودند دوسیه ی لواسانات خراب است و بعد از اینکه آقای آشتیانی آن قدرها رای نداشته اند دیگر علتی برای تأخیرش دیده نمی شود. بنابراین خوب است الان رای گرفته شود و تکلیفش معین شود.
مؤتمن الملک- آقای تدین، اجازه

...

تدین- کافی نیست. بنده عرض دارم.

...

سردار معظم کردستانی- آقا توضیح دارند.

...

مؤتمن الملک- آقای تدین، اجازه!
تدین- آقای مخبر محترم شعبه نسبت اشتباه به بنده دادند. تصور می کنم خودشان اشتباه کرده اند. ایشان اظهار می کنند که بر فرض آقای آشتیانی در لواسان و کن و سولقان چند رای داشته باشند، آن را هم موضوع کنیم، مضر به اکثریتشان نیست. بنده این را نمی خواهم بگویم. عرض می کنم جریان انتخاباتی که جنبه ی جزایی پیدا کرده است، جنبه ی جنائی هم پیدا کرده است. اگر معلوم شود یک شخصی انتخاب شده است، سه هزار رای یک رای اش به وسیله ی تطمیع بوده است، آن شخص جانی شمرده می شود. ولی بنده این نسبت را به آقای آشتیانی نمی دهم. چه فرق می کند اگر معلوم شود فلان زید در لواسانات و کن و سولقان پنج رای داشته و آن را خریده است. این شخص از نقطه نظر انتخاباتی جانی شمرده می شود.

...

مؤتمن الملک- عده برای رای گرفتن کافی نیست.
مدرس- عده برای مذاکره کافی است.
مؤتمن الملک- بلی! موافقید؟
مدرس- بلی!

مؤتمن الملک- بفرمایید!

مدرس- من خیال می کردم بعد از بیانات کافی که آقای مخبر فرمودند که الحق و الانصاف، چون سر رشته از مطالب قانونی دارند، از هر جهت هر چه می فرمایند باید تصدیق کنم، دیگر جای هیچ گونه صحبت به من باقی نمی ماند. لیکن، متأسفانه آقای تدین یک اظهاراتی فرمودند که می توانم عرض کنم فان الحرب اولها کلام. جنگ بیرون را می خواهند بیندازند توی مجلس.

تدین- اشتباه می کنید.

مدرس- اشتباه نمی کنم.

تدین- حرفتان را پس بگیرید.

مدرس- پس نمی گیرم. شما می خواهید جنگ بیرون را توی مجلس بیندازید. و من حاضر نیستم.

تدین- چه جنگی؟

مدرس- جان صد بنده و آقای آشتیانی و صد امثال بنده و آشتیانی فدای این جنگ های بیرون می شویم. بنده همانم که در مقابل شما با قرارداد مخالفت کردم.^۱

تدین- شما همین هستید که به حضرت عبدالعظیم تشریف بردید. حرف خصوصی را نزن.

مدرس- حرف خصوصی را شما می زنید.

تدین- مطالب خصوصی را چه حق دارید در مجلس مذاکره می کنید. من حاضر نیستم اینها را بشنوم.

مدرس- بفرمایید.

تدین- آقایان بیایید بیرون.

مدرس- بنده همین جا می مانم.

تدین- فراکسیون تجدد را می گویم. مردکه هر مزخرفی دلش می خواهد می گوید.

تدین و جمعی از نمایندگان از جلسه خارج شدند.

مدرس- انتخاباتی که در تهران شده است یک دوسیه ای دارد. که دوسیه ی آن را هم می گویند به شعبه نیامده است. از دوسیه ای که به مجلس نیامده چطور می توانید ...

مؤتمن الملک- اگر همان وقت که گفته شد تنفس داده شود قبول فرموده بودید این طور نمی شد.

مدرس- اجازه ی من محفوظ بماند تا بقیه ی عرایض خود را بکنم.

در این موقع جلسه خاتمه یافت.

در اینجا، بی مناسبت نیست که مطالبی را از کتاب بازیگران عصر طلایی: مدرس، نوشته ی آقای خواجه نوری که درباره ی همین جلسه نوشته اند، نقل نماییم.

... خلاصه پس از خطای مخالفت فراکسیون پر جمعیت تجدد با اعتبارنامه ی آشتیانی، مدرس رفت پشت تریبون، همه ساکت شدند، همه حس می کردند که یک ورق مهم تاریخ و سرنوشت ایران در آن لحظات در کار نوشته شدن است. دوست و دشمن گوش ها را تیز کردند.

مدرس با مهارت خاصی که در مؤثر ساختن مطالب خود داشت زمینه را طوری برداشت و صغری کبری را قسمی چید که نتیجه ی خطرناکش از همان اول، به خوبی در نظر فراکسیون تجدد معلوم گردید. غالب وکلای فرمایشی، یک چشمشان به دهان و کله ی متحرک مدرس بود و یک چشمشان به خطوط چهره ی لیدر فراکسیون تجدد. کلمات مثل مواد سوزانی که از منبع پرغلیان آتش فشانی بیرون جهد گاهی تک تک و گاهی دسته دسته از لبهای کلفت شر و شوردار مدرس بیرون می ریخت و اعتقاد سرد و شل شنوندگان را مثل برف پوکی متدرجا آب می نمود. جمهوری سازان دیدند دیگر جای تأمل نیست. اگر سید هر چه در دل دارد بگوید و بعد در روزنامه ها منعکس شود دیگر هیچ طلسمی قادر به برگرداندن رمه در رفته و تار و مار شده ی جمهوری نخواهد شد.

پس یک چاره بیشتر نیست و آن این است که دهان مدرس بسته شود. نتواند دنبال نطق خود را که در واقع حکم قتل جمهوری است بگیرد. لیدر حزب تجدد به این قصد از جا برخاست و یقین داشت پیروانش از او پیروی خواهند کرد. اما نکردند. آن ها همه مقهور استدلال قوی و جذابیت بیان سید شده و بی حرکت در جای خود چسبیده بودند.^۲

^۱ تدین از طرفداران قرارداد ۱۹۱۹ بود و برای به نتیجه رسیدن آن، به نفع انگلیس و روسیه، تلاش زیادی کرد. مخالفت مدرس با آن قرارداد و جلوگیری از به ثمر رسیدن قرارداد دلیل اصلی دشمنی تدین با مدرس بود. با اینکه تدین برای تغییر سلطنت و قدرت گرفتن رضاخان تلاش زیادی کرد، وی بعدها تدین را یک فاحشه ی سیاسی نامید.

^۲ کتاب بازیگران عصر طلایی: مدرس، نوشته ی خواجه نوری، صفحات ۲۳۱ و ۲۳۲.

مدرس در اتاق تنفس دنباله ی بیانات خویش را گرفت. تدین دریافته بود که اگر به همین ترتیب مدرس سخن گوید، در فراکسیون تزلزل ایجاد می گردد. وی احیاء السلطنه بهرامی، نماینده ی زنجان، را تحریک نمود. بهرامی با مدرس وارد مناقشه و نزاع گشت و سیلی محکمی به صورت مدرس زد.^۱ ظاهر، سید محیی الدین مزارعی، نماینده ی شیراز، هم سیلی محکم تری به صورت بهرامی زده بود. این سیلی یکی از رویدادهای بزرگ تاریخ ایران بود که صدای آن در تهران و سپس ایران پیچید و به قول میرزاده عشقی: از آن سیلی ولایت پر صدا شد دکاکین بسته و غوغا به پا شد

مردم تهران به مجلس ریختند و نسبت به طرفداران جمهوری فرمایشی رضا خان ابراز تنفر نمودند. مؤتمن الملک تلاش کرد مردم و نمایندگان را آرام کند و عده ای از نمایندگان بازار تهران را به مجلس دعوت کرد تا بر آن آتش آبی فشانند، ولی پرخاش و تندى تدین با نمایندگان بازار عمل او را بی اثر نمود.

رضاخان دستور داد که درهای مساجد را ببندند و عده ای پاسبان و سرباز جلوی در مساجد و مجلس گماشته شدند تا مردم نتوانند تجمع کنند. این برخورد خود بر ناراحتی مردم افزود. عده ای از وکلای اکثریت، که از طرفداران تدین بودند، به گروه اقلیت مجلس پیوستند یا مستقل شدند. و ملک الشعرا بهار بعنوان اعتراض از نمایندگی استعفا داد و از مجلس خارج شد. مؤتمن الملک از طریق چند نماینده برای او پیام فرستاد، وی را به مجلس احضار کرد، و از قبول استعفای بهار خودداری نمود.

رضا خان از این عمل بهرامی به شدت عصبانی و بنا به نقل قول عده ای گفته بود: این بهرامی مادر... با یک سیلی تمام رشته های مرا پنبه کرد.

^۱ این واقعه در جلد هفتم مرآت الوقایع مظفری، نوشته ی عبدالحسین خان لسان السلطنه، ۱۲۸۵ ه. ش.، صفحه ی ۳۱۹ هم آورده شده است.

^۲ برخی این شعر را به بهار نسبت داده اند. ولی شاعر میرزاده عشقی می باشد.